

معرفی کتاب

Sex and Cognition

Sex and Cognition

Doreen Kimura

London: The MIT Press, 1999

Doreen Kimura

جنسیت و شناخت

تفاوت‌های شناختی بین دو جنس از مباحث داغ سه دهه اخیر در نوروسایکولوژی بوده است. طی این دوره در کنار توجه به پدیده چپ دستی و راست دستی و تفاوت‌های دو نیمکره چپ و راست مغز به تفاوت‌هایی که از این جهات در بین زنان و مردان مشاهده می‌شود نیز توجه خاصی صورت گرفته است و یکی از پیشگامان این حوزه دورین کیمورا است. او طی سی سال اخیر درباره تفاوت‌های درک کلام، حافظه کلامی و فضایی، توانایی‌ها و مهارت‌های حرکتی در زنان و مردان و تأثیر هورمون‌های جنسی بر فرایندهای مذکور مقالات عدیده‌ای را به چاپ رسانده است. کتاب حاضر در ۲۰۰ صفحه به جمع‌بندی و ارائه منسجم یافته‌ها در این حوزه می‌پردازد. محتوای کتاب بسیار روان و همراه با تصاویر و جداول متعدد برای بیان تفاوت‌های بین زن و مرد در حوزه شناختی است و این مسئله آنرا حتی برای خواننده غیر متخصص نیز اثری خواندنی و قابل استفاده می‌سازد. کیمورا در فصل یک کتاب، برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهمی اشاره می‌کند که تفاوت‌های شناختی مطلقاً به معنی ایجاد تبعیض بین زن و مرد نیست و نظر خود را مبنی بر اینکه زنان و مردان باید از حقوق مساوی برخوردار باشند بوضوح بیان می‌نماید و ابراز می‌دارد که تفاوت‌های شناختی نباید دستاویزی برای محروم کردن یکی از دو جنس قرار گیرد. کیمورا در فصل دو تحت عنوان «میراث تکاملی تفاوت‌های شناختی بین دو جنس را به ارزش انطباقی آنها نسبت داده و به دیدگاه تکاملی در شکل‌گیری این تفاوت‌ها اشاره دارد. رویکردی که در تمامی فصول کتاب برجسته به نظر می‌رسد، انطباق‌گرایی (adaptationism) است؛ به طوری که به نظر می‌رسد اعتقاد نویسنده به این مسئله گاهی از حد اعتدال خارج شده و او را بصورت یک معتقد سر سخت به این نگرش در می‌آورد. او برای هرگونه تفاوت شناختی بین زن و مرد به ارزش بقاء و میراث تکاملی توجه دارد و افراط او در این مسئله تا حدی از اعتبار عقاید او، با وجود اتکا به یافته‌های مکرر تجربی، می‌کاهد. در فصول بعدی به تفاوت‌های زن و مرد در مهارت‌های حرکتی، توانایی‌های فضایی، استعداد ریاضی، درک، توانایی‌های کلامی و مکانیسم‌های هورمونی دخیل در ایجاد تفاوت‌های فوق می‌پردازد. کیمورا نشان می‌دهد که زنان در گرفتن توپ بازی، پرتاب گلوله و پرتاب نیزه‌های کوچک مهارت کمتری در مقایسه با مردان دارند اما می‌توانند با مهارت بیشتری به انگشتان و دست خود شکل خاصی بدهند. زنان در حافظه فضایی و گردش ذهنی اجسام در فضا، بسیار ضعیف‌تر از مردان عمل می‌کنند. در حفظ مسیرها بر روی نقشه نیز بجای استفاده از جهت و سمت و سو، بیشتر بر نشانه‌های مکانی خاص (landmarks) اتکا دارند. در استدلال حسابی و استعداد حل مسائل ریاضی، مردان برتر از زنان عمل می‌کنند. این تفاوت‌ها در دبستان ظاهر می‌شوند و در دبیرستان برجسته‌تر می‌گردند. البته زنان در آزمون‌های مدرسه، حتی در ریاضی نمره بهتری نسبت به پسران کسب می‌کنند.

در درک، بغیر از درک بینایی، زنان به محرک‌های خارجی حساس‌تر هستند. همچنین زنان از نظر سرعت ادراک نیز تفوق دارند. ضمناً آنها در

زمینه درک عواطف در چهره و بیان احساسات توسط حرکات بدن مهارت بیشتری دارند. حافظه کلامی زنان نیز بهتر از مردان است. در فصول انتهایی کتاب، کیمورا به مبانی نوروپسیکولوژی این توانایی‌ها و تأثیر ضایعات مغزی در آنها اشاره می‌کند و همچنین به شرح چند آزمایش حیوانی می‌پردازد. کیمورا منشاء بسیاری از این تفاوت‌ها را زیستی دانسته و نقش عوامل اجتماعی و روانی را در آنها کمرنگ می‌داند. یکی از نکات بحث‌انگیز در کتاب او اشاره به تفاوت‌های شناختی در افراد همجنس‌گرا است و اشاره دارد که در بسیاری از توانایی‌های شناختی مردان همجنس‌گرا شبیه زنان عمل کرده و نمرات مشابهی کسب می‌کنند.

تأکید او بر ارزش انطباقی تفاوت‌ها نیز از دیگر مطالب بحث برانگیز است. بعنوان مثال، تفوق مردان در توانایی گردش ذهنی اجسام یا یک صحنه در فضا را مربوط به این می‌داند که مردان در طی تکامل، بیشتر برای شکار از منزل دور شده و به نواحی دورتر می‌رفتند و لازم بوده است تا بتوانند صحنه‌های جدید را راحت‌تر در ذهن خود پردازش کنند و صحنه شکار را از جوانب مختلف در ذهن خود به تصویر در آورند. بر عکس، زنان چون به جمع‌آوری آب و غذا، از بوته‌ها، علف‌ها و اطراف صخره‌ها می‌پرداختند حافظه بهتری برای شناسایی مکان‌های خاص در دشت پیدا کرده‌اند.

صرف‌نظر از این موارد، کتاب «جنسیت و شناخت» اثری خواندنی است و سادگی، سهولت، ارزان قیمتی و در عین حال ارزشمندی آزمایش‌های مورد اشاره می‌تواند راهنمای جالبی برای پژوهشگران و دانشجویان جهت پایان‌نامه یا پروژه تحقیقی باشد. البته به خواننده این کتاب توصیه می‌شود مقاله کلود استیل^(۱) (۱۹۹۷) و فردریسکون^(۲) (۱۹۹۸) را در کنار کتاب «جنسیت و شناخت» مطالعه نماید. این دو مقاله اشاره دارند که بسیاری از تفاوت‌های شناختی در زنان ناشی از نقشی است که اجتماع بصورت مستقیم و غیر مستقیم بدانها داده است و فعال شدن طرح‌واره (stereotype) زن بودن تغییرات شناختی مورد انتظار را به همراه دارد. مثال جالب اینکه خانم‌ها وقتی دامن (لباس خاص زنان) می‌پوشند، یعنی طرح‌واره خاص زن بودن در آنها فعال می‌شود، در ریاضیات ضعیف‌تر از زمانی عمل می‌کنند که فرضاً شلوار (لباس مردانه) می‌پوشند.

1- Steele CM (1997). A threat in the air: How stereotypes shape intellectual identity and performance. *American Psychologist*. 52, 613-629.

2- Fredrickson BL Roberts TA Noll SA Quin DM & Twenge JM (1998). That swimsuit becomes you: Sex differences in self-objectification, restrained eating and math performance. *Journal of Personality and Social Psychology*. 75, 269-284.